



والدین اهمال کار

سبک‌های فرزندپروری و تأثیر آن بر اهمال کاری فرزند

سید میثم موسوی

تصویرگر

لیلا فرقانی

کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی



توصیف سبک‌های فرزندپروری

برای درک هر چه بهتر این مهم، سه نمونه خانواده را در نظر بگیرید:

خانواده نمونه ۱

در خانواده‌ای مقرراتی و سخت‌گیر که دنیای آن‌ها مجموعه‌ای از قواعد خط‌کشی شده است و فرزند ملزم به رعایت آن‌هاست، هرگونه اعتراض فرزند نسبت به این قوانین، با سرکوب همراه خواهد بود. همه تصمیمات خرد و کلان زندگی به والدین ختم می‌شود و فرزند نمی‌تواند به‌عنوان شخصی حقیقی و حقوقی، به‌تنهایی انتخاب کند. در عمل آزادی در کار نیست؛ انتخاب بی‌انتخاب. فرزند مجبور به انجام وظایف مقرر است و

هرگونه تخطی در این مسیر، بی‌درنگ با بازخواست و صد البته تنبیه همراه خواهد بود. به موازات آن، فرزند زمانی می‌تواند به تحسین والدین چشم داشته باشد که طبق استانداردهای مطلق پدر و مادر، عملکردی کامل و بی‌عیب و نقص نشان دهد. در یک کلام، این قبیل فرزندان جماعتی هستند که شیرجه‌های نرفته، برایشان کوفتگی‌های بسیار به ارمغان

آیا شما به نقش شریف پدر بودن یا مادر بودن مفتخرید؟ اگر پاسخ مثبت است، آیا این تجربه را داشته‌اید که فرزندتان شب امتحان تا واپسین لحظات وقت خویش را گوش تا گوش سر ببرد و وانگهی، ساعت صفر بامداد با اضطراب به سراغ کتاب‌هایش برود؟ یا صبح که برای رفتن به مدرسه صدایش می‌زنید، به‌خاطر انجام ندادن تکالیفش از رفتن به مدرسه سرباز بزند؟

در چنین مواقعی چه احساسی دارید؟ رفتار او را علت چه معلول‌هایی می‌دانید؟ حتماً در پاسخ به این پرسش پیش‌فرض‌های ذهنی بسیاری دارید؛ از جمله: تمام وقتش را پای تلویزیون به بطالت گذراند یا به صحبت با دوستانش سپری کرد؛ امان از فضای مجازی، مدرسه و معلم بی‌فکرش و ...

در این میان، تا به حال با خود اندیشیده‌اید شاید ریشه این قبیل رفتارهای فرزند را باید در سال‌های ابتدایی زندگی او و نحوه تعامل شما با وی جست‌وجو کرد؟

درک این موضوع دشوار می‌نماید، اما این یک واقعیت انکارناپذیر است که زندگی هر خانواده یک قصه دنباله‌دار و به هم پیوسته است که رفتارهای هر فرد را به فرد دیگر ربط می‌دهد.



آورده است. چنین خانواده‌ای، مدرسه فرزندش را بدون در نظر گرفتن نظر او انتخاب می‌کند. رشته تحصیلی فرزند را فقط بر اساس صلاح‌دید خود به او تحمیل می‌کند. در ارتباط افراطی با مدرسه است. به‌طور دائم وضعیت فرزند خود را واکاوی می‌کند و برای او و مدرسه‌اش نسخه جدید می‌پیچد. و فقط زمانی از وضعیت تحصیل او راضی خواهد بود که نمره کامل بگیرد یا نفر اول کلاس باشد. چنین خانواده‌ای، در عین حال گوش شنوایی برای دلایل موفق نشدن و حتی اعتراض فرزندش به این شیوه ندارند.

خانواده نمونه ۲

در ساختار چنین خانواده‌ای انضباط اهمیت بسیار دارد و در مقابل کنترل شدیدی بر رفتار فرزند وجود ندارند. در چارچوب محدودیت‌ها به فرزند خود آزادی می‌دهند. در واقع به آزادی توأم با نظارت معتقدند. قوانینی وضع می‌کنند که موازین رفتاری روشنی دارد؛ به استقلال فرزند خویش احترام می‌گذارند و در عین حال از فرزند انتظار رفتار به‌قاعده را دارند. چنین والدینی قاطع، اما مهربان‌اند. به عبارتی، جمع اضداد خوش‌نشسته در کنار هم‌اند. چنین خانواده‌ای، برای انتخاب مدرسه، اول نظر، سلیقه و احساس فرزندش را جویا می‌شود و سپس با توجه به چارچوب‌های خانوادگی، به‌صورت مشارکتی تصمیم می‌گیرد. در مورد انتخاب رشته توانایی‌ها، استعدادها و علاقه‌های او را در نظر می‌گیرد و به او مشورت می‌دهد، اما انتخاب نهایی را بر عهده خود فرزند می‌گذارد. ارتباطش با مدرسه در حد اطلاع از وضعیت فرزند است و در صورتی که مشکلی وجود داشته باشد، این ارتباط و پیگیری‌ها وسیع‌تر می‌شود. در نهایت، این خانواده وقتی از وضعیت تحصیل فرزندش راضی است که او برای اهدافش تلاش کند و متناسب با شرایط به نتیجه مطلوب برسد. در صورت دست نیافتن به نتیجه دلخواه، برای رفع مشکل، نشست‌های خانوادگی تشکیل می‌دهد. فرزند این خانواده مسئولیت شکست‌ها و موفقیت‌های تحصیلی را خود بر عهده می‌گیرد.

خانواده نمونه ۳

در این معجون خانواده‌نام، در عمل قوانینی وجود ندارد. آزادی مطلق حکم‌فرماست و فرزند می‌تواند برای خودش انتخاب کند، تصمیم بگیرد و هر کاری را که می‌خواهد عملی کند؛ بدون آنکه نظارت اولیا متوجه او باشد. در این خانواده، هر کس سرش به کار خودش گرم است و هر طور که مایل باشد زندگی می‌کند. شعار این خانواده در دو جمله خلاصه می‌شود؛ ساده بگیر و زندگی کن. برای مثال، خانواده‌ای که مدرسه فرزندش را فقط بر اساس نظر او و بدون بررسی شرایط مدرسه



و خانواده انتخاب می‌کند، بر وضعیت تحصیلی او هیچ کنترلی ندارد و اصولاً یا با مدرسه ارتباطی برقرار نمی‌کند یا این ارتباط در روند عملکرد فرزند تأثیر معناداری ندارد. این خانواده توقع تحصیل از فرزند خود ندارد، اما هرگونه تجهیزات و امکاناتی را که او درخواست می‌دهد برایش فراهم می‌کند.

سه نمونه خانواده مذکور سه سبک متفاوت را در فرزندپروری نشان می‌دهند: به ترتیب مستبد، مقتدر و آسان‌گیر.

سبک فرزندپروری بیانگر روابط عاطفی و نحوه ارتباط کلی والدین با فرزند به شمار می‌رود. همچنین، عاملی مهم برای رشد و یادگیری کودک نیز محسوب می‌شود. ابعاد تعامل والدین با فرزند شامل دو بُعد «توقع و پاسخ‌دهی» است که با توجه به سه نمونه مورد نظر عبارت‌اند از:

مقتدر: هر دو بالا.

مستبد: توقع بالا، پاسخ‌دهی پایین.

اینکه شما خود را بیشتر مشابه کدام یک از نمونه‌های فوق بدانید، عاملی راهگشا برای پاسخ‌گویی به سؤال آغازین ماست: دلیل رفتارهای اهمال‌کارانه تحصیلی فرزندتان چیست؟

دلایل اهمال فرزند

بررسی کنیم در هر یک از این سه گروه خانواده چه اتفاقی برای فرزند و اهمالش می‌افتد:

آسیب‌شناسی خانواده نمونه ۱

- سختگیری و نظارت زیاد خانواده بر روند درسی و مدرسه فرزند، حس مسئولیت‌پذیری او را از بین می‌برد و او دیگر خود را موظف به انجام وظایف تحصیلی نمی‌داند، اما از طرف دیگر، اگر وظایف محوله را انجام ندهد، تنبیه می‌شود. پس تا حد امکان عمل خود را به تعویق می‌اندازد.

- فرزند حق انتخاب ندارد و مجبور به پیروی است. در این میان، والدین هم از او انتظار نامعقول دارند. همه این‌ها کافی است تا فرزند به توانایی‌هایش شک کند و آن‌ها را نادیده بگیرد و در نتیجه خودکارآمدی تحصیلی‌اش کاهش یابد. کسی که خودکارآمدی پایینی دارد، از تلاش کردن برای رسیدن به اهداف درسی باز می‌ایستد.

خودکارآمدی تحصیلی بیانگر برداشت فرد از توانایی‌اش در سازمان‌دهی و انجام تکالیف آموزشی است.

- فردی که اهداف و موقعیت تحصیلی‌اش را خودش انتخاب نکرده و حتی در انتخاب آن‌ها دخیل هم نیست، برای پیشرفت انگیزه کمی



زندگی هر خانواده یک قصه دنباله‌دار و به‌هم پیوسته است که رفتارهای هر فرد را به فرد دیگر ربط می‌دهد

دارد و این بی‌انگیزگی او را از تلاش برای برداشتن گام‌هایی رو به جلو و موفقیت‌آمیز بازمی‌دارد.

انگیزه پیشرفت دربردارنده تمایل فرد به تلاش برای کسب موفقیت یا احساس خوشایند ناشی از موفق شدن در انجام وظایف است.

ملاک ارزشمندی در چنین خانواده‌ای عملکرد کامل است. این توقع والدین باعث می‌شود فرزند از شکست خوردن هراس زیاد داشته باشد و این هراس دو نتیجه در پی خواهد داشت؛ یا برای جلوگیری از شکست اصلاً سراغ آن کار نمی‌رود؛ مثلاً روز امتحان به بهانه‌های متفاوت به مدرسه نمی‌رود، یا به فردی کمال‌گرا تبدیل می‌شود که برای انجام دادن تکالیفش به بهترین نحو، یا فشار زیادی را تحمل می‌کند یا از سر وسواس زیاد، آن کار را به تعویق می‌اندازد.

کمال‌گرایی: یک سازه شخصیتی با ویژگی‌هایی همچون تلاش برای کامل و بی‌نقص بودن و تعیین معیارهای بسیار افراطی در عملکرد همراه با گرایش به ارزیابی انتظاری رفتار است. انواع کمال‌گرایی:

- (الف) خودمحور: انتظار بالا و افراطی فرد از خود.
- (ب) دیگرمحور: انتظار بالا و افراطی فرد از دیگران.
- (ج) جامعه‌محور: انتظار بالا و افراطی جامعه از فرد.

آسیب‌شناسی خانواده نمونه ۲

والدین با اعمال قوانین و مقررات روشن، تعیین استانداردهای دقیق و داشتن انتظاراتی متناسب با توانایی فرزند در حوزه‌های تحصیلی، به او آزادی انتخاب می‌دهند، در تصمیم‌گیری‌ها وی را سهیم می‌کنند و ضمن حمایت لازم، به او استقلال می‌دهند. فرزند چنین خانواده‌ای به توانایی‌های خود اطمینان کامل دارد. او سطح بالایی از خودکارآمدی را تجربه می‌کند و برای رسیدن به موفقیت دست از تلاش برنمی‌دارد. همچنین، به خاطر دخیل بودن در تصمیم‌گیری، خود را مسئول می‌داند و انگیزه پیشرفت بالاتری دارد.

آسیب‌شناسی خانواده نمونه ۳

فرزند این خانواده حس همکاری ندارد و بی‌نظم و غیرقابل اعتماد است. هر پدر و مادری برای فرزندش رؤیایی در سر می‌پروراند؛ رؤیای یک زندگی موفقیت‌آمیز که گاه در عمل چیزی نیست جز مخلوطی از خلسه‌های سطحی و نامعقول. برای رسیدن به رؤیایا باید به مقدمات آن‌ها پایبند باشیم. این مقدمات تنها خواندن، نوشتن و انتخاب مدرسه خوب نیست، بلکه شجاعت، اعتمادبه‌نفس و مهارت‌های زندگی مدخل این آمال‌هستند؛ نقطه عطفی که در اولین ارتباط هر فرد با خانواده‌اش بی‌ریزی

می‌شود و این همان جزئیات تأثیرگذاری است که خمیرمایه دوام موفقیت در آینده فرزند را نوید می‌دهد.

حمایت خانواده در طول زندگی هر فرد پشتوانه محکمی به شمار می‌رود. روابط و چگونگی تعامل بین والدین و فرزند، نقش مهمی در رشد اعتماد به خود، عزت‌نفس و خودکارآمدی فرزند دارد؛ خواه مثبت باشد و خواه منفی. شاید مهم‌ترین تفاوت بین سه خانواده مطرح شده، دو عنصر مهربانی و قاطعیت باشد؛ مهربانی نشان‌دهنده احترام والدین به فرزند است و قاطعیت نشان‌دهنده احترام والدین به خودشان.

خانواده مستبد قاطعیت دارد، اما مهربانی خیر. خانواده آسان‌گیر مهربانی دارد اما قاطعیت هرگز. لیکن خانواده مقتدر، مهربانی و قاطعیت را هم‌زمان دارد؛ درست مثل دو کفه ترازو.

بی‌تردید هر شیوه‌ای را که والدین اتخاذ کنند، هدفشان جز موفقیت و تعالی فرزند خویش نیست، اما مدل رفتاری سبک‌های مستبد، اهمال‌کاری تحصیلی فرزند را پیش‌بینی می‌کند. در حالی که سبک مقتدر اثری از اهمال‌تحصیلی باقی نخواهد گذاشت. سبک مستبد رفتاری ارباب‌منشانه دارد که حتی در نوع تحسین، مالکیت پیروزی را از فرزند می‌گیرد و تنها به او می‌آموزد که به چه چیز فکر کند، در حالی که سبک مقتدر رفتاری محترمانه دارد که در نوع تشویق، مالکیت پیروزی فرزند را به رسمیت می‌شناسد و به او می‌آموزد که چگونه فکر کند.

و این است تفاوتی از زمین تا آسمان که سرنوشت‌های متفاوت را رقم خواهد زد.

بار دیگر سؤال آغازین را با زبانی دیگر به تأمل می‌نشینیم:

چند درصد از رفتارهای اهمال‌کارانه تحصیلی فرزندتان به سبک فرزندپروری شما وابسته بوده است؟ برای آشنایی بیشتر با سبک فرزندپروری مقتدرانه، کتاب «تربیت دموکراتیک نوجوان» در صفحات بعدی مجله معرفی خواهد شد.

* منابع

1. https://www.civilica.com/Paper-EPSCONF03-EPSCONF03_111.html

۲. نلسن، جین. تربیت سالم در خانه. ترجمه محمدجواد فرشچی و ریحانه ایزدی (۱۳۹۴). انتشارات سازوکار. تهران.
۳. سلطان نژاد، سمیه؛ حسن اسدزاده (۱۳۹۴). رابطه سبک‌های فرزندپروری ادراک شده با اهمال‌کاری و خود ناتوان‌سازی.
۴. مرادیان، جلال؛ سیروس عالی پور (۱۳۹۳). رابطه علی بین سبک فرزندپروری و عملکرد تحصیلی با واسطه خودکارآمدی تحصیلی و انگیزه پیشرفت. نشریه روان‌شناسی خانواده. بهار و تابستان ۱۳۹۳. دوره ۱. شماره ۱.
۵. بشارت، محمدعلی؛ کوروش عزیزی (۱۳۹۰). رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین با کمال‌گرایی فرزندان در نمونه‌ای از خانواده‌های ایرانی. نشریه خانواده پژوهی. تابستان ۱۳۹۰. دوره ۱. شماره ۲۶.



تا به حال با خود
اندیشیده‌اید
که شاید ریشه
رفتارهای
اهمال‌کارانه
فرزندتان را باید
در سال‌های ابتدای
زندگی و نحوه
تعامل شما با وی
جست‌وجو کرد؟